

متن پرسش

با سلام و تشکر فراوان از استاد عزیز و تمام همکارانشان، پرسشم رو حتی المقدور کوتاه می‌کنم که از زحمت خواندن بکاهم. ۱. چرا مخاطب قرآن مردان هستند؟ منظور از جهت ضمیر و افعال مذکر نیست. بلکه در غالب آیات ضمیر مخاطب برای مردان بوده و ضمیر غایب برای زنان است. جوری که وقتی قرآن می‌خوانم و به این آیات، که کم هم نیستند، برخورد می‌کنم احساس ناخوشایندی سراغم می‌آید. به فرض که در زمان نزول آیات فقط مردان در اطراف پیامبر بودند، که بعید می‌دانم همیشه اینطور بوده، آیا نمی‌شد تمام ضمائر غایب باشد؟ یعنی خدا بفرماید مومنین چنین و چنان بکنند. یا اگر مخاطب هست، لاقلاً جداگانه نشود؟ مطالب چندی در پاسخ به این مقوله خوانده‌ام اما بیشتر به نظر توجیه می‌آیند و قلبم را قانع نمی‌کنند، چرا که قرآن کلام پروردگار عالم مطلق است بی‌زمان است (نه فقط مخصوص اعراب ۱۴۰۰ سال پیش) و هیچ نقصی از آن انتظار نمی‌رود. ۲. چرا در قرآن وقتی خداوند از حضرت مریم می‌گوید، می‌فرماید ما او را به زنان عالم برتری دادیم؟ چرا نفرمودند به کل انسانهای عالم، مردان و زنان عالم؟ مگر حضرت مریم فقط بر زنان زمان خود برتری داشت؟ یا مثلاً برای حضرت فاطمه سلام الله علیها، می‌گویند سیده النساء العالمین؟ آیا مادرم فاطمه زهرا، فقط سرور زنان عالمین است؟ مگر در قرآن و دعا‌های رسیده از اهل بیت، وقتی از پیامبران یا امامان ما گفته می‌شود، در ادامه سید مردان عالم خطاب می‌شوند؟ چرا در مورد زنان جنسیت مطرح می‌شود؟ من متوجه این موضوع نمی‌شوم. چطور تصور کنم مقام انسان نزد خدا به جنسیت بدن مادی مربوط نیست، و مقام انسانی زن و مرد در نزد خدا برابر است در عین حال اینگونه موارد واضح را چطور پاسخ گویم. اگر دخترم که در این عصر و زمان و با فرهنگ حاکم بر این زمان زندگی می‌کند از من این سوالات را بپرسد، چگونه به او پاسخ دهم؟ بگویم روح جنسیت ندارد و روح انسانی مطرح است؟ پس این موارد چگونه توجیه می‌شوند. در پایان طلب عفو می‌کنم از استاد عزیز بابت طولانی شدن سوال و قدردانی می‌کنم از اینکه وقت گرانبهای خود را صرف مطالعه این سوال نمودید. از خداوند اجر بی‌پایان برای شما مسئلت دارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. اتفاقاً مرحوم شهید مطهری متذکر نکته خوبی در این مورد هستند و در مورد روایت مشهور «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» می‌فرمایند این‌جا واژه «مُسلِم» به معنای همه مردم است و نباید «مُسلمه» را به آن اضافه می‌کردند. و با توجه به این نکته عنایت داشته باشید اگر

ضمیر «کُم» به کار می‌رود نباید گمان کرد این‌جا مردان را خطاب قرار داده، بلکه برعکس اگر عرب بخواهد تنها زنان را مخاطب قرار دهد، واژه «کُنَّ» را به کار می‌برد. ۲. به نظر می‌آید جمله «سیده النساء العالمین» نظر به جنسیت آن حضرات دارد و تأکید بر این‌که اینان که سرور همه بشریت‌اند، از جنس زن می‌باشند، نه آن‌که آن‌ها را صرفاً پیش‌رو زنان بدانند. و در همین رابطه امام عسگری «علیه السلام» می‌فرماید: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ وَجَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةً عَلَيْنَا» [۱] یعنی؛ ما حجّت خداوند بر خلق هستیم و جدّه ما فاطمه حجّت است بر ما. یعنی راه را به ما نشان داد و جبهه ای را که باید ما پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و حذف حاکمیت علی علیه السلام در آن قرار گیریم، بر ما نمایاند. موفق باشید

[۱] (۱) - «تفسیر طیب البیان»، ج، ۱۳ ص ۲۲۳ (نقل از شرح «فَصَّ حِكْمَةَ عِصْمَتِيَّةٍ فِي كَلِمَةِ فَاطِمِيَّةٍ»، از آیت الله حسن زاده، ص ۱۵۹).